

دارد. همچنین حدود ۲۰ تصنیف و ترانه فاخر از سروده‌های شاعران برتر کشور از جمله علیرضا افتخاری آن‌ها را خوانده‌اند و در فضای مجازی موجود است. همچنین جشنواره‌های تخصصی همچون «فروزه فرات» را با موضوع امام حسین (ع) در نگاه امام رضا (ع) با حضور شاعران جوان برگزار کردیم و جشنواره‌های دیگری همچون «مفردات دل» و «دل‌های خراسانی» و «برکه کمال» که موضوع همه آن‌ها شعر آیینی بود و برگزیدگان جوان‌ها بودند. شاعران جوان نباید فقط این احساس را داشته باشند که به یک انجمن ادبی می‌آیند و شعری می‌خوانند و می‌روند، بلکه باید احساس کنند کار مفیدی انجام می‌دهند و آثارشان را دیگران می‌بینند. خیلی از شاعران جوانی که الان در عرصه ملی مطرح هستند، کسانی بودند که وقتی پایشان را در «انجمن ادبی ارادت» گذاشتند، شاعران درجه ۳ محسوب می‌شدند، اما شکر خدا پیشرفت کردند.

دلیل اصلی تداوم و استمرار این انجمن را چه می‌دانید؟

وقتی «انجمن ادبی ارادت» را راه‌اندازی کردیم، فکر نمی‌کردیم این نهال چنین رشد کند و شاخ‌وبرگ داشته باشد؛ به شکلی که به‌زعم همگان اینک یکی از جلسه‌های فاخر شعر آیینی است. دلیل اصلی این توفیق آن بود که جوانانی که روز نخست به دعوت ما لبیک گفتند، تا حد زیادی پای کار ماندند؛ به‌ویژه در آغاز که به حمایت شاعران جوان نیاز داشتیم، حمایتشان را از ما دریغ نکردند و در کنار آن‌ها استادانی که شاید به حضور در انجمن ما نیازی نداشتند نیز لطف کردند و حمایت کردند. مسئولان بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع) نیز نگاه خوبی به شعر آیینی دارند و در جهت رشد این شاخه هنری گام برمی‌دارند. این‌ها باعث شد ما بتوانیم استادان بزرگ شعر آیینی را به انجمن دعوت کنیم و مخاطبان ما احساس کردند در هر جلسه با رویداد تازه‌ای روبه‌رو خواهند بود، با یک شاعر جدید یا یک تفکر جدید آشنا می‌شوند و این‌گونه شد که هر هفته دوستان شاعر چشم‌انتظار برگزاری جلسه بودند و ما نیز کوشیدیم طراوت و تازگی و نشاط و شادابی را در

این نشست شعری حفظ کنیم.

چه برنامه‌هایی برای آینده دارید؟

کرونا سرعت پیشرفت ما را کم کرد. برگزاری نشست‌هایی که تا پیش از شیوع کرونا هر هفته با حضور پنجاه‌شصت نفر برگزار می‌شد، دیگر ممکن نیست. البته اینک مخاطبان ما گاه به بیش از ۱۴۰۰ نفر در وبینارها می‌رسد، اما دوست داشتیم نشست‌ها جز اینکه در فضای مجازی منتشر شود و هزاران بازدیدکننده داشته باشد، حضوری نیز برگزار شود. در آینده نیز ان شاء... همین راه را ادامه خواهیم داد؛ با برگزاری برنامه‌های نوتر و مدل‌های متنوع‌تر.

در این راه آیا نهادهای مسئول از شما حمایت می‌کنند؟

نخست باید بگویم که بزرگ‌ترین مشکلی که در این زیرشاخه فرهنگ یعنی شعر آیینی وجود دارد، موازی‌کاری‌های بسیار است؛ هرچند همه نهادها در این حوزه به دنبال دستیابی به هدف واحدی هستند و آن گسترش و بسط فرهنگ اهل‌بیت (ع) و شعر آیینی است. گاه این موازی‌کاری‌ها شاعران را سردرگم می‌کند؛ برنامه‌های بسیاری برگزار می‌شود و بسیاری از شاعران مطلع نمی‌شوند. اگر مرکزی برای سامان‌دهی شاعران باشد و همه از آن طریق بدانند که چه برنامه‌هایی برگزار می‌شود، خیلی بهتر است. به‌هر حال نهادهای مسئول از انجمن ما حمایت‌هایی کرده‌اند، اما امیدواریم روند حمایت‌ها سرعت و دقت بیشتری بگیرد.

جریان شعر آیینی به چه حمایت‌هایی نیاز دارد؟

در واقع حمایت از هنرمند در آن جایگاهی که باید باشد، نیست. هنرمندانی در سطح استادی می‌بینید که در بدیهیات زندگی گرفتار هستند. چرا یک هنرمند عالی‌رتبه در عرصه شعر آیینی باید دغدغه امور ابتدایی زندگی خود را داشته باشد؟ البته به‌تازگی حرکت‌هایی برای حمایت از هنرمندان آغاز شده است و امیدواریم این تنور داغ شود و هنرمندان حوزه شعر آیینی احساس کنند که نهادی هست حمایتشان کند. یکی از مصداق‌های این حمایت در حوزه چاپ آثار و کتاب‌های شاعران آیینی است که گاه برای شاعران

صرفه اقتصادی ندارد و بسیار سخت است. البته برخی نهادها برای نمونه صد جلد از کتاب می‌خرند، اما آیا ارزش زحمات یک هنرمند که در چندین سال شکل گرفته، در همین حد است که با خرید صد جلد از کتابش احساس کنیم داریم از او حمایت می‌کنیم؟ نه! اسم این کار حمایت نیست. یک شاعر وقتی یک شعر خوب می‌گوید، باید ببیند که از هنرش استقبال می‌شود و اجر مادی و معنوی زحماتش پرداخت می‌شود. ما گاهی می‌خواهیم از امام رضا (ع) در بیت‌المال دقیق‌تر شویم! امام رضا (ع) پس از شنیدن یک شعر از دعبیل خزاعی، به او چندده دینار صله می‌دهد و مأمون نیز صله بیشتری روی آن می‌گذارد و به شاعر می‌دهد و این‌ها از بیت‌المال است و امام رضا (ع) مأمون را از این کار منع نمی‌کند. یعنی امام رضا (ع) این‌گونه از شاعر زمانه خود حمایت می‌کند. امام صادق (ع) نیز در محضر خود شاعر را در جایگاهی برتر از علما می‌نشاند. شعر شبکه‌ای است که می‌تواند به‌معنای واقعی و به زیباترین شکل ممکن به تبلیغ و ترویج دین بپردازد. وقتی اهل‌بیت (ع) این‌گونه از شاعران حمایت می‌کنند، آیا ما نباید از شاعران آیینی حمایت کنیم؟ آنکه باید حمایت شود، هنرمند است که عنان فرهنگ در دست اوست و می‌تواند سطح فرهنگی جامعه را ارتقا دهد.

جریان شعر آیینی را در عرصه ملی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روشن است که جریان شعر معاصر و به‌ویژه شعر آیینی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی رشد داشته است و هیچ‌کس نیست منکر آن باشد. اگر آثار شعر آیینی را در طول تاریخ بررسی کنیم، می‌بینیم چندین برابر آثاری که در عمر هزار و چندساله اسلام سروده شده، در همین چهل‌وچند سال پس از انقلاب اسلامی سروده شده است، اما هرچه تعداد زیاد باشد، آسیب هم به همان مقدار زیاد است. جریان شعر اگر با آموزش و بینش و آگاهی‌های دینی همراه شود که متأسفانه در این روزها از این موضوع کمی فاصله گرفته‌ایم، روشن است که روزگار پربارتری را در آینده خواهد داشت. اما اگر توجه به محتوا از شعر آیینی حذف شود و فقط واژه‌های شورانگیز و فقط حماسی و بدون بینش در آن باشد که در برخی هیئت‌ها و مجلس‌ها می‌بینیم، به اعتقاد مردم ضربه می‌زند. حقیقت این است که به‌رغم شعرهای خوب، شعرهای بی‌محتوا نیز بسیار می‌بینیم و به‌نوعی سره و ناسره درهم‌آمیخته است. گاه مداحانی که قدرت تشخیص شعر خوب از شعر بد را ندارند، فقط به کلمه‌های فریبنده متوسل می‌شوند و بدین ترتیب شورهای بدون بینش بسیار می‌شود. شاید پله شعرهای کم‌محتوا در آینده سنگین‌تر شود و این مسئله اینک به‌عنوان یک آسیب جدی برای شعر آیینی مطرح است. شاید در آینده با مجموعه شعرهایی روبه‌رو باشیم که باید بگردیم و با ذره‌بین در آن‌ها شعر آیینی سالم پیدا کنیم؛ اگر محتوا را نشناسیم، اگر آموزش نباشد و اگر اصولی پیش نرویم.

نقش شاعران جوان در این میان چیست و چه می‌تواند باشد؟

در هر عرصه‌ای وقتی به جوان‌ها اعتماد شد، کار درست پیش رفت. جوان خلاقیت دارد، ساختارشکنی عقلانی دارد، بدایع را بیشتر می‌داند، اهل احتیاط‌های بی‌ثمر نیست و اگر ما عنان فرهنگ و ادبیات و شعر آیینی را به‌دست جوان‌های تحصیل‌کرده بدهیم، حتماً موفق خواهیم بود. اگر شما انجمن‌های شعر آیینی را بررسی کنید، خواهید دید که پرچم‌دار شعر آیینی امروز جوان‌ها هستند. این به‌دلیل بهایی است که به جوان‌ها داده شده است. شاید در گذشته ما منتظر بودیم زیباترین کلمه‌ها را از زبان مسن‌ترین شاعران بشنویم، اما الان دیگر آن‌گونه نیست؛ فضای تعلیم و رقابت و جوان‌گرایی است و سهم عمده‌ای از آینده شعر آیینی نیز در دست جوان‌ها خواهد بود؛ ان‌شاءالله.

این گفت‌وگو را با چه سخنی به پایان می‌برید؟

نخست اینکه مسئولان نباید درباره انجمن‌های شعر آیینی بی‌تفاوت باشند. دوم اینکه عنان شعر نباید به‌دست غیرشاعرها باشد؛ وقتی مسئولی با شعر بیگانه یا با آن مخالف است و اتفاقاً وظیفه حمایت از شعر را برعهده دارد، چگونه می‌تواند از آن حمایت کند؟ وقتی افراد غیرمرتبط با شعر را به‌عنوان مسئول حوزه شعر منصوب می‌کنند، مانند این است که یک شاعر را مسئول یک بیمارستان بگذارند؛ چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد؟ خدا می‌داند! وقتی غیرشاعران مسئولیت امور شعر و ادبیات را برعهده می‌گیرند، سلامت روح و فرهنگ مردم نیز به همان اندازه به‌خطر می‌افتد. نکته پایانی نیز اینکه همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند «هر اندیشه‌ای که در قالب هنر ننگند ماندنی نیست» باید بگوییم که هر فعالیت فرهنگی که در قالب دل ننگند، ماندگار نخواهد بود.



در هر عرصه‌ای وقتی به جوان‌ها اعتماد شد، کار درست پیش رفت. جوان خلاقیت دارد، ساختارشکنی عقلانی دارد، بدایع را بیشتر می‌داند، اهل احتیاط‌های بی‌ثمر نیست و اگر ما عنان فرهنگ و ادبیات و شعر آیینی را به‌دست جوان‌های تحصیل‌کرده بدهیم، حتماً موفق خواهیم بود.

شاید بیشتر از انواع دیگر شعر آیینی مصداق چنین نگاهی است. وقتی موضوع شعر عاشورایی مطرح می‌شود، همه ما ایرانی‌ها ناخودآگاه به یاد در خلق عالم است... می‌افتیم و بیت‌هایی که پرچم‌های عزا و کنیه‌های محرم با بیت‌هایی از این مرثیه عاشورایی آراسته می‌شود. زیبایی‌های لفظی و محتوایی این شعر و عوامل فرهنگی و تاریخی و اجتماعی مهم‌ترین اشعار عاشورایی است و آن را در صدر قاصیده سیف‌فرغانی (ای قوم در این عزا بگریید...) و اشعاری از عمان سامانی و چند شاعر دیگر مطرح کرده است. باین حال،

وقتی چنین اشعاری را دقیق‌تر بررسی کنیم، با نقد شهیدمطهری درباره شعر محتشم هم‌صدا خواهیم شد که «وجه حماسی این شعر ضعیف است» و به‌عبارتی دیگر باید گفت شاعر در سرودن این شعر با دیدی حماسی به واقعه عاشورا نگاه نکرده و فقط مرثیه‌سرایی کرده است. البته دیدگاه مرثیه‌سرایان جایگاه خاص خود را در شعر دارد و در تحلیل تاریخی ذوق شعری و بررسی دیدگاه‌ها و عقاید درخور توجه است، اما روشن است که یکی از وجوه مهم واقعه عاشورا و شاید مهم‌ترین وجه آن، حماسی با گستره نفوذی که در میان همه مسلمانان و نیز همه آزادگان و آزادی‌خواهان جهان دارد، فقط برای جامعه مسلمانان آن

روزگار رسالت بیدارکنندگی نداشته، بلکه مخاطب این نهضت، هر انسان آزاده‌ای در هر دوره‌ای و با هر عقیده‌ای می‌تواند باشد. پس غفلت از وجه حماسی عاشورا، غفلت از نکته‌های مهم و اساسی است که مربوط به وجه انسانی و اهمیت جهانی این واقعه است. شعر آیینی معاصر نیز سال‌ها و دهه‌ها به‌ویژه تا پیش از دهه‌های اخیر، خالی از حماسه بود و جز در موارد معدود به مدح و مرثیه محدود می‌شد. در دهه‌های اخیر بخشی از شاعران آیینی کوشیده‌اند به‌نوعی وجه حماسی را در شعر خود مد نظر قرار دهند و با نگاهی نوبه‌واقعه‌عاشورا و فهم وقایع عاشورا در قالب بزرگ‌ترین حماسه رویارویی حق و باطل، زوایای

حماسی شعر آیینی امروز را تقویت کنند. امروزه وقتی اشعار آیینی نقد و تحلیل می‌شود، بیشتر منتقدان بر نکاتی دست می‌گذارند که بیشتر به فرم شعر مربوط می‌شود و از نوع نقدهایی است که برای هر نوع شعر دیگری صدق می‌کند. در لژوم این نوع انتقاد شکی نیست و در فرمی نکته‌ای است که هر شعر موفقی باید دارای آن باشد، اما پس از عبور شعر آیینی از این مرحله و قبول یافتن آن، نوع نگاه و موضع‌مندی شاعر و تعهد او به جانب حق و حقیقت در ارزیابی و ارزش‌گذاری شعر آیینی اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند یکی از عوامل جاودانگی آن باشد.